



اداره کل مطالعات و پژوهشهای تبلیغی - قادر سعادت

اشاره

در شماره گذشته
ماهنامه مبلغان
موضوع «ولایت ائمه»،
روح عبادات «خدمت
مبلغان گرامی تقدیم
گردید و در آن
مطالبی که دال بر
این موضوع باشد
ارائه شد؛ حال در
ادامه این موضوع به
پنجمین دلیل بر این
موضوع و ادامه آن
می‌پردازیم.
۵. ولایت، شرط قبولی
عبادات

آیات و روایات
کثیری مبنی بر

اشتراط ولایت در
قبول طاعات و
عبادات، وجود دارد
و برخی از بزرگان
مانند صاحب «وسائل
الشیعہ» یک باب را
به این امر اختصاص
داده است، و ما در
اینجا به برخی از
آیات و روایات
اشاره می‌کنیم:
آیات

۱. در تفسیر آی ۵
[وَجُودٌ يَوْمَئِذٍ خَاشِعَةٌ *
عَامِلَةٌ نَاصِبَةٌ * تَصَلِّي
نَارًا حَامِيَةً]؛ «در آن

روز چهره هایی از شدت شرمساری، حالت ذلّت به خود می گیرند ، از سیمایشان این معنا خوانده می شود که در دنیا تلاش بسیار کرده اند و در اینجا تلاشهای خود را بی فایده یافته اند و در نتیجه خستگی دنیا از تنشان بیرون نرفته ، داخل آتشی سوزان می شوند .» از امام صادق% وارد شده است که به ابو حمزه فرمودند : «مَنْ خَالَفَكُمْ وَ إِنْ عَبْدَ وَ اجْتَهَدَ مَنْسُوبٌ إِلَى هَذِهِ الْآيَةِ ؛^۱ هرکس مخالف شما باشد (شیعه نباشد) اگرچه در عبادت تلاش کند ، منسوب به این آیه است.»

۲. و در تفسیر آیه [وَ إِنْ لَعَنَّا لِمَنْ تَابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى] ؛^۲ «و من آمرزند ه همه آن کسانم که توبه کرده و ایمان آورده و عمل صالح انجام داده و سپس هدایت یابند.»

امام صادق % فرمودند : «أَلَا تَرَى كَيْفَ اشْتَرَطَ وَ لَمْ تَنْفَعُهُ التَّوْبَةُ أَوْ الْإِيمَانُ وَ الْعَمَلُ الصَّالِحُ حَتَّى اهْتَدَى وَ اللَّهُ لَوْ جَهَدَ أَنْ يَغْمَ لَ مَا قُبِلَ مِنْهُ حَتَّى يَهْتَدِيَ، قَالَ قُلْتُ إِلَى مَنْ جَعَلَنِي اللَّهُ فِدَاكَ؟ قَالَ إِلَيْنَا ؛^۳ آیا نمی بینی چطور شرط کرده که توبه ؛ ایمان و عمل صالح، نفعی نمی رساند تا اینکه هدایت شود؟ والله اگر برای عملی تلاش کند، قبول نمی شود ؛ مگر اینکه هدایت شود . راوی پرسید به چه کسی هدایت شود؟ فرمودند : باید به سویی ما هدایت

۱. تفسیر القمی، علی بن ابراهیم بن هاشم قمی ، نشر جزائری، قم، ۱۴۰۴ق ، چاپ سوم، ج ۲ ص ۴۱۹.

۲. طه/۸۲.

۳. تفسیر القمی، ج ۲، ص ۶۱.

شود.»

و همچنین در تفسیر همین آیه از ابوذر از پیامبر- نقل شده است که فرمودند :
 «قَالَ : آمَنْ بِي مَا جَاءَ بِهِ مُحَمَّدٌ- وَ عَمِلَ صَالِحاً قَالَ أَذَاءُ الْفَرَايِضِ، ثُمَّ اهْتَدَى إِلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ^۱؛
 پیامبر - فرمود : ایمان آورد به آنچه محمد - آورده است و عمل صالح انجام دهد ؛ یعنی واجبات را انجام دهد، سپس هدایت شود ؛ یعنی هدایت شود به حب آل محمد.»

پس عمل صالح و ایمان مقبول نیست ؛ مگر اینکه به ولایت ائمه) هدایت شود.

۳. و در تفسیر

آیه : [وَقَدْ مَنَّا إِلَى مَا عَمِلُوا مِنْ عَمَلٍ فُجِعْنَا هَبَاءً مَنْثُوراً]^۲؛ «توجه می‌کنیم به اعمالی که

انجام داده اند و آن را [مانند ذرات] معلّ ق در هوا و نابود می‌کنیم .»
 "سلیمان بن خالد" نقل می‌کند : امام صادق% فرمودند : «إِنَّ أَعْمَالَ الْعِبَادِ تُعْرَضُ كُلَّ خَمِيسٍ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ- فَإِذَا كَانَ يَوْمُ عَرَفَةَ هَبَطَ الرَّبُّ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى وَ قَدِمْنَا إِلَى مَا عَمِلُوا مِنْ عَمَلٍ فُجِعْنَا هَبَاءً مَنْثُوراً فَقُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ أَعْمَالُ مَنْ هَذِهِ قَالَ أَعْمَالُ مُبْغِضِينَ وَ مُبْغِضِي شِيعَتِنَا^۳ ؛ اعمال بندگان هر پنجشنبه بر رسول الله - عرضه می‌شود و در روز عرفه پروردگار متعال اعمال را محو می‌کند و این کلام خداوند متعال است که می‌فرماید : و ما به سراغ اعمالی که انجام داده اند می‌رویم و همه را همچون ذرات غبار پراکنده در هوا

۱. تفسیر فرات الکوفی، فرات ابن ابراهیم کوفی، نشر وزرات ارشاد، تهران، ۱۴۱۰ق، چاپ اول، ص ۲۵۸.
 ۲. فرقان/ ۲۳.
 ۳. تفسیر نور الثقلین، ج ۴، ص ۱۰.

أَنَّ رَجُلًا قَامَ لَيْلَهُ وَ صَامَ نَهَارَهُ وَ تَصَدَّقَ بِجَمِيعِ مَالِهِ وَ حَجَّ جَمِيعَ ذَهْرِهِ وَ لَمْ يَعْ رِفَ وَ لَا يَتَّهِ وَلِيَّ اللَّهِ فَيُؤَالِيَهُ وَ يَكُونُ جَمِيعُ أَعْمَالِهِ بِذِلَالَتِهِ إِلَيْهِ مَا كَانَ لَهُ عَلَى اللَّهِ حَقٌّ فِي ثَوَابِهِ وَ لَا كَانَ مِنْ أَهْلِ الْإِيمَانِ؛^۱ اگر بنده ای شب را به نماز و روز را به روزه بگذرانند، و جمیع مالش را صدق ه دهد، و در طول عمرش هرسال حج کند، اما ولایت ولی خدا را نشناشد تا به آن سرسپرد، و تمامی اعمالش با راهنمایی او باشد، حق ی بر خدا ندارد که ثوابش دهد، و چنین کسی از اهل ایمان نیست.

۲. امام صادق % فرمودند: «إِنَّ أَوَّلَ مَا يُسْأَلُ عَنْهُ الْعَبْدُ إِذَا وَقَفَ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ جَلَّ جَلَالُهُ عَنْ الصَّلَوَاتِ الْمَفْرُوضَاتِ وَ عَنْ الزَّكَاةِ الْمَفْرُوضَةِ وَ عَنْ الصِّيَامِ الْمَفْرُوضِ وَ عَنْ الْحَجِّ الْمَفْرُوضِ وَ عَنْ

قرار می دهیم . سلیمان بن خالد پرسید: اینها اعمال کیست؟ فرمود: اعمال دشمنان ما و دشمنان شیعیان ما.» این آیات با تفسیر اهل بیت)، دلالت دارند بر اینکه، بدون قبول ولایت ائمه (، عبادت و عملی مورد قبول خداوند متعال قرار نمی گیرد، و بنده هرچه بدون ولایت عبادت کند، نتیجه اش عذاب الهی است.

روایات

روایات در این زمینه خیلی زیاد است و می توان ادعا کرد که متواتر معنوی هستند که شرط قبول عبادت را پذیرش ولایت امام مفترض الطاعه من جانب الله می دانند. ما برای استدلال فقط چند روایت را بیان می کنیم:

۱. امام باقر % می فرمایند: «أَمَّا لَوْ

۱. وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، ج ۱، ص ۱۱۹.

وَلَايَتِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ فَإِنْ
أَقَرَّ بَوَلَايَتِنَا ثُمَّ مَاتَ
عَلَيْهَا قُبِلَتْ مِنْهُ صَلَاتُهُ وَ
صَوْمُهُ وَ زَكَاتُهُ وَ حَجُّهُ وَ
إِنْ لَمْ يُقَرَّ بَوَلَايَتِنَا بَيْنَ
يَدَيِ اللَّهِ جَلَّ جَلَالُهُ لَمْ يَقْبَلْ
اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْهُ شَيْئاً مِنْ
أَعْمَالِهِ ؛^۱ چون بنده
برابر خدا ایستد ،
اول پرسش او از
نمازهای واجب ، زکات
واجب ، روزه واجب و
حج واجب و از ولایت
ما اهل بیت (است ، و
اگر معترف به ولایت
ما باشد و بر آن
عقیده بمیرد ، نماز ،
روزه ، زکات و حج او
پذیرفته است و اگر
برابر خدا به ولایت
ما اعتراف نکند ،
خدا چیزی از اعمال
او را نپذیرد .»
۳. «عن میسر بیاع
الزطی قال : دَخَلْتُ عَلَى
أَبِي عَبْدِ اللَّهِ % فَقُلْتُ لَهُ
جُعِلَتْ فِدَاكَ إِنَّ لِي جَاراً
لَسْتُ أَنْتِيهِ إِلَّا بِصَوْتِهِ إِمَّا
تَالِيَا كِتَابَهُ يُكْرَرُهُ وَ

يَبْكِي وَ يَتَضَرَّعُ وَ إِمَّا
دَاعِياً فَسَأَلْتُ عَنْهُ فِي
السِّرِّ وَ الْعَلَانِيَةِ فَقِيلَ
لِي إِنَّهُ مُجْتَنِبٌ لِجَمِيعِ
الْمَحَارِمِ قَالَ فَقَالَ % يَا
مَيْسِرُ يَعْرِفُ شَيْئاً مِمَّا أَنْتَ
عَلَيْهِ قَالَ قُلْتُ اللَّهُ أَعْلَمُ
قَالَ فَحَجَجْتُ مِنْ قَابِلٍ
فَسَأَلْتُ عَنِ الرَّجُلِ فَوَجَدْتُهُ
لَا يَعْرِفُ شَيْئاً مِنْ هَذَا
الْأَمْرِ فَدَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ
اللَّهِ % فَأَخْبَرْتُهُ بِخَبَرِ الرَّجُلِ
فَقَالَ لِي مِثْلَ مَا قَالَ فِي
الْعَامِ الْمَاضِي يَعْرِفُ شَيْئاً
مِمَّا أَنْتَ عَلَيْهِ قُلْتُ لَا قَالَ
يَا مَيْسِرُ أَيُّ الْبِقَاعِ أَكْثَمُ
حُرْمَةً قَالَ قُلْتُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ
وَ ابْنُ رَسُولِهِ أَعْلَمُ قَالَ
يَا مَيْسِرُ مَا بَيْنَ الرُّكْنِ وَ
الْمَقَامِ رَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ
الْجَنَّةِ وَ مَا بَيْنَ الْقَبْرِ وَ
الْمَنْبَرِ رَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ
الْجَنَّةِ وَ لَوْ أَنَّ عَبْدًا
عَمَرَهُ اللَّهُ فِيمَا بَيْنَ الرُّكْنِ
وَ الْمَقَامِ وَ فِيمَا بَيْنَ
الْقَبْرِ وَ الْمَنْبَرِ يَعْبُدُهُ
أَلْفَ عَامٍ ثُمَّ ذُبِحَ عَلَى
فِرَاشِهِ مَظْلُوماً كَمَا يُذْبَحُ
الْكَبْشُ الْأَمْلَحُ ثُمَّ لَقِيَ اللَّهَ
عَزَّ وَ جَلَّ بِغَيْرِ وَلَايَتِنَا
لَكَانَ حَقِيقاً عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَ
جَلَّ أَنْ يُكَبَّهُ عَلَى مَنْجَرِيهِ
فِي نَارِ جَهَنَّمَ ؛^۲ میسر

۱. الامالی، شیخ صدوق،

نشر اعلمی، بیروت، ۱۴۰۰ ق،
چاپ پنجم، ص ۲۵۶، مجلس
۴۴.

۲. ثواب الأعمال و عقاب
الأعمال، شیخ صدوق، نشر
دار الرضی، قم، ۱۴۰۶ ق،

بیّاع زطّی گوید: نزد
امام صادق% رفته و
عرض کردم: فدایت
شوم! همسایه ای دارم
که با صدای او از
خواب برمی خیزم؛ یا
قرآن می خواند و
آیات را تکرار
می کند و می گرید و
می نالد و یا دعا
می کند. از دیگران
درباره کارهای او
در نهان و آشکار
پرسیدم، گفتند: او
از حرامها پرهیز
می کند. امام %
فرمود: ای میسر!
آیا بر آنچه تو
معتقدی، اعتقاد
دارد؟ عرض کردم:
خدا داناتر است.
راوی گوید که سال
آینده حج گزاردم و
از اعتقاد آن مرد
پرسیدم و دریافتم
که ولایت اهل بیت را
باور ندارد. نزد
امام صادق% رفته و
دیگر بار دربارۀ
آن مرد سخن گفتم.

امام % مانند سال
گذشته از من پرسید:
آیا به آنچه تو
معتقدی، اعتقاد
دارد؟ عرض کردم:
نه. فرمود: ای
میسر! کدام قسمت
زمین حرمت دارتر
است؟ عرض کردم: خدا
و پیامبرش و فرزند
پیامبر خدا
داناترند. فرمود:
ای میسر! میان رکن
و مقام باغی از
باغهای بهشت است و
میان قبر پیامبر
خدا- و منبرش باغی
[دیگر] از باغهای
بهشت. به خدا
سوگند! اگر خداوند
بنده ای را عمر دراز
دهد و او میان رکن
و مقام و قبر و
منبر پیامبر خدا -
خداوند را هزار سال
عبادت کند، سپس
همان گونه که قوچی
زیبا را سر ببرند،
او را در بسترش
مظلومانه سر ببرند،
پس آنگاه خدا را
بدون ولایت ما دیدار

لَهُ ثَوَابٌ؛^۲ امام صادق% فرمود : ای معلی ! اگر بنده ای صد سال بین رکن و مقام عبادت خدا را پیشه کند ، روزها را روزه بدارد و شبها به عبادت برخیزد ، تا آنگاه که به سبب پیری ابروانش بر دیدگانش فرو افتد و استخوانهای ترقوه اش به هم رسند ؛ ولی به حق ما ناآگاه باشد ، پاداشی برای او نباشد.»

تعداد این روایات در منابع روایی زیاد است و از این روایات می فهمیم که عبودیّت به کثرت عبادت نیست ؛ بلکه به خضوع و تسلیم قلبی در برابر رهبری حق است ، و کثرت عبادت بدون تسلیم شدن در مقابل ولّی الهی ارزشی

کند ، خدای گرامی و بزرگ را سزد که او را بر روی صورت به دوزخ افکند.»

۴. عامر بن کثیر سراج از ابوالجارود نقل کرده است که گفت: در مکه یا منی به امام باقر% عرض کردم : ای فرزند رسول خدا - چقدر حاجیان فراوانند ! امام% فرمود : «مَا أَقَلُّ الْحَاجِّ مَا يُغْفَرُ إِلَّا لَكَ وَ لِأَصْحَابِكَ وَ لَا يُتَقَبَّلُ إِلَّا مِنْكَ وَ مِنْ أَصْحَابِكَ»^۱ چقدر حاجیان

اندکند ! خداوند ، تنها تو و یاران تو را می آمرزد و عملی را جز از تو و یارانت نمی پذیرد.»

۵. «عن ابي عبد الله % : يَا مُعَلَّى ! لَوْ أَنَّ عَبْدًا عَبْدَ اللَّهِ مِائَةَ عَامٍ مَا بَيْنَ الرُّكْنِ وَ الْمَقَامِ يَصُومُ النَّهَارَ وَ يَقُومُ اللَّيْلَ حَتَّى يَسْقُطَ حَاجِبَاهُ عَلَى عَيْنَيْهِ وَ تَلْتَقِيَ تَرَاقِيهِ هَرَمًا جَاهِلًا لِحَقْنَا لَمْ يَكُنْ

۱. بحارالانوار ، علامه

مجلسی ، ج ۲۷ ، ص ۱۹۶ .

۲. همان ، ج ۲۷ ، ص ۱۷۷ .

ندارد.

عبودیت به کثرت
عبادت نیست ؛
بلکه به خضوع و
تسلیم قلبی در
برابر رهبری حق
است، و کثرت
عبادت بدون
تسلیم شدن در
مقابل ولی الهی
ارزشی ندارد
عقل

دلیل عقلی (با یک
مقدمه شرعی) نیز بر
این مطلب اقامه شده
است با این تقریر
که:

در روایات
اهلبیت، این مطلب
مسلم است که اسلام
غیر از ایمان است و
اسلام برای صح
نکاح، حفظ دماء و
امور دنیوی است ؛
ولی ایمان، خضوع و
تسلیم قلبی در
برابر اوامر خداست
و اطاعت از اولیا ی

الهی، چنانکه امام
صادق% در جواب شخصی
که از فرق بین اسلام
و ایمان پرسیده
بود، فرمود: «الْإِسْلَامُ
هُوَ الظَّاهِرُ الَّذِي عَلَيْهِ
النَّاسُ شَهَادَةُ أَنْ لَا إِلَهَ
إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ
اللَّهِ وَ إِقَامُ الصَّلَاةِ وَ إِيْتَاءُ
الزَّكَاةِ وَ حِجُّ الْبَيْتِ وَ
صِيَامُ شَهْرِ رَمَضَانَ فَهَذَا
الْإِسْلَامُ وَ قَالَ الْإِيمَانُ
مَعْرِفَةُ هَذَا الْأَمْرِ مَعَ هَذَا
فَإِنْ أَقَرَّ بِهَا وَلَمْ يَعْرِفْ
هَذَا الْأَمْرَ كَانَ مُسْلِمًا وَ
كَانَ ضَالًّا^۱؛ اسلام همین
صورت ظاهری است که
مردم دارند؛ یعنی
شهادت دادن به "لا اله
الا الله و محمد رسول
الله" و نماز گزاردن،
زکات دادن، حج خانه
کعبه و روزه ماه
رمضان. این اسلام
است؛ اما ایمان
معرفت این امر
[ولایت] است، با این
[صورت ظاهری که
بیان شد]، پس اگر
کسی به آنها اقرار
کند و به این امر
[ولایت] عارف نباشد،

۱. کافی، کلینی، ج ۲، ص ۲۴.

تُقَبَّلُ الطَّاعَةُ الْمُفْتَرَضَةُ ؛
 با ولایت شما طاعات
 واجب (از ما)
 پذیرفته می‌شود.»
 به عبارت دیگر ،
 عبادت توجه و
 انقیاد قلبی به
 خداوند متعال است،
 و توجه به او بدون
 ولایت ائمه (حاصل
 نمی‌شود؛ چون ایشان %
 وجه الله و اسماء الله و
 مظاهر خداوند متعال
 بین مردم هستند، و
 از طرفی ائمه) «ادلاء
 الی صراط الله» هستند
 و لازم ؤ این مقامات
 این است که بدون
 شناخت آن، عبادت
 حاصل نمی‌شود .^۲ پس
 قبولی عبادات طبق
 ادل ؤ نقلی و عقلی
 به قبول ولایت
 وابسته است.
 ۶. ولایت پذیری بیشتر،
 نتیجه عبادت صحیح
 اگر عبادت به صورت
 صحیح انجام گیرد، و

مسلمان است و
 گمراه.»

و نیز آیه : [قَالَتِ
 الْأَعْرَابُ آمَنَّا قَدْ لَمْ
 تُؤْمِنُوا وَ لَكِنْ قُولُوا
 أَسْلَمْنَا وَ لَمَّا يَدْخُلِ
 الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ]؛^۱
 «اعراب می گویند :
 ایمان آوردیم، بگو :
 ایمان نیاوردید ؛
 بلکه اسلام آورده اید
 و هنوز ایمان در
 قلوب شما داخل نشده
 است.» بر این مطلب
 دلالت دارد.

پس ایمان غیر از
 اسلام است و شرط
 تحقق آن، پذیرش
 ولایت اهل بیت) و ثواب
 اخروی مربوط به
 ایمان است ، نه
 اسلام .

از طرفی، بدون
 ولایت ایمان فاسد
 است، پس به تبع آن
 عمل و عبادت که فرع
 ایمان است، باطل
 خواهد بود . و از
 اینرو در زیارت
 «جامعه کبیره
 فرموده اند: «بِمُؤَالَاتِكُمْ

۲. الانوار الساطعه، ج ۵،
 ص ۴۵۶.

۱. حجرات / ۱۴.

مورد قبول خداوند
متعال باشد، نتیج^ه
آن «معرفت» بیشتر
است، پس شناخت
خداوند، با شناخت
امام معصوم % میسر
است، و اگر عبادت
باعث ازدیاد معرفت
نسبت به خداوند
متعال باشد، حتماً
قبل از آن معرفت
نسبت به امام
افزوده خواهد شد، و
از آیه : [لَئِنْ شَكَرْتُمْ
لَأَزِيدَنَّكُمْ]^۱؛ «اگر شکر
کنید، بر [نعمت]
شما می افزایم.» نیز
می توان فهمید که
اگر انسان با قبول
ولایت، عبادت کند،
نتیجه اش معرفت
کامل، خواهد بود؛
چون نعمت ولایت
بزرگ ترین نعمت و
شکران^ه آن، تسلیم
شدن در برابر آن
است، پس نتیج^ه
عبادت مقبول، ثبات
در صراط مستقیم و
افزایش معرفت به

ولایت است.
ولایت در ادیان گذشته
و اثر آن در عبادت
اگر از دیدگاه
روایات اهل بیت؛ به
ادیان گذشته نظر
کنیم، می یابیم که
اولاً: پیروان هر دینی
موظف به قبول ولایت
ولی الهی در زمان
خودشان بودند و
بدون ولایت نبی یا
وصی آن زمان،
عبادتشان مورد قبول
نبوده است، چنانکه
در روایتی، «شیخ
مفید» با سند خود
از «محمد بن مسلم»
از امام باقر یا
امام صادق ^ع نقل
کرده : «قُلْتُ لَهُ : إِنَّا
نَرَى الرَّجُلَ مِنَ الْمُخَالِفِينَ
عَلَيْكُمْ لَهُ عِبَادَةٌ وَ
اجْتِهَادٌ وَ خُشُوعٌ فَهَلْ
يَنْفَعُهُ ذَلِكَ شَيْئاً فَقَالَ يَا
مُحَمَّدُ إِنَّمَا مَثَلُنَا أَهْلُ
الْبَيْتِ مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِ
كَانُوا فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ وَ
كَانَ لَا يَجْتَهِدُ أَحَدٌ مِنْهُمْ
أَرْبَعِينَ لَيْلَةً إِلَّا دَعَا
فَأَجِيبَ وَ إِنَّ رَجُلًا مِنْهُمْ
اجْتَهِدَ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً ثُمَّ
دَعَا فَلَمْ يُسْتَجَبْ لَهُ فَأَتَى

۱. ابراهیم / ۷.

دارد؟ فرمود : ای محمد! همانا مثل ما اهل بیت) با شما مردم مثل آن خاندان در بنی اسرائیل است که کسی از آنها نبود که چهل شب در عبادت بکوشد ؛ جز اینکه وقتی دعا می کرد ، مستجاب می شد.

مردی از آنان مدت چهل شب به عبادت پرداخت و بعد دعا کرد ؛ اما مستجاب نشد، نزد عیسی % رفته و از آنچه بر او گذشته بود گلایه کرد و از آن حضرت التماس دعا نمود . عیسی % وضو کرد و نماز خواند و دعا کرد . خداوند به او وحی فرستاد که ای عیسی ! این بنده ام از غیر آن دري که باید نزد من آیند ، نزد من آمده است ، او مرا خوانده ، در حالی که در نبوت تو در شك است

عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ ۝ يَشْكُو إِلَيْهِ مَا هُوَ فِيهِ وَيَسْأَلُهُ الدُّعَاءَ لَهُ فَتُطَهَّرُ عِيسَى وَصَلَّى ثُمَّ دَعَا فَاَوْحَىٰ اللَّهُ إِلَيْهِ يَا عِيسَى ابْنَ عَدِي أَتَانِي مِنَ غَيْرِ الْبَابِ الَّذِي أُوتِيَ مِنْهُ إِنَّهُ دَعَانِي وَفِي قَلْبِهِ شَكٌّ مِنْكَ فَلَوْ دَعَانِي حَتَّىٰ يَنْقُطَ عُنُقُهُ وَتَنْتَشِرَ أَتَامِلُهُ مَا اسْتَجَبْتُ لَهُ فَالْتَفَتَ

عِيسَى% فَقَالَ: تَدْعُوا رَبَّكَ وَفِي قَلْبِكَ شَكٌّ مِنْ نَبِيِّهِ فَقَالَ يَا رُوحَ اللَّهِ وَكَلِمَتُهُ قَدْ كَانَ وَاللَّهِ مَا قُلْتُ فَاسْأَلِ اللَّهَ أَنْ يَذْهَبَ بِهِ عَنِّي فَدَعَا لَهُ عِيسَى % فَتَقَبَّلَ اللَّهُ مِنْهُ وَصَارَ فِي حِجْدِ أَهْلِ بَيْتِهِ كَذَلِكَ نَحْنُ أَهْلُ الْبَيْتِ لَا يَقْبَلُ اللَّهُ عَمَلَ عَبْدٍ وَهُوَ يَشْكُ فِينَا ؛^۱ محمد بن مسلم گوید: به امام باقر یا امام صادق ۝ عرض کردم : ما پاره ای از مخالفین شما را می بینیم که در عبادت کوشا و دارای خشوع فراوانی هستند، آیا اینها برای ایشان سودی

۱. الامالی، شیخ مفید، نشر کنگره شیخ مفید، قم، ۱۴۱۳ق، چاپ اول، مجلس اول، ص ۲.

متعال از پیامبران
و اوصیای گذشته عهد
گرفته که ولایت
امیرالمؤمنین % و
ائمه) را قبول کنند
و با این شرط به
نبوت مبعوث شده اند :
«عن ابن مسعود قال :
قال رسول الله : مَلِكٌ قَدْ
أَتَانِي فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ سَلْ
مَنْ أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ مِنْ
رُسُلِنَا عَلَى مَا بُعِثُوا
فَقُلْتُ مَعَاشِرَ الرُّسُلِ وَ
النَّبِيِّينَ عَلَى مَا بَعَثَكُمْ اللَّهُ
قَبْلِي قَالُوا عَلَى وَلَايَتِكَ
يَا مُحَمَّدُ وَوَلَايَةِ عَلِيٍّ بْنِ
أَبِي طَالِبٍ»^۱ . پیامبر -
فرمود : (در معراج)
ملکی نزد من آمد و
گفت : از پیامبران
قبل از خودت بپرس
که بر چه اساسی
مبعوث شده اند؟
گفتم : بر چه مبعوث
شده اید؟ جواب
دادند : بر ولایت تو
و ولایت علی بن
ابی طالب»^۳.

بنا بر این، اگر به
اندازه ای مرا
بخواند که گردنش
قطع و بندهایش از
هم بگسلد، من دعایش
را مستجاب نخواهم
کرد. عیسی % به وی
رو کرده ، فرمود :
پروردگارت را
می خوانی و در دل
خود به پیامبرش شک
داری؟ گفت : ای روح
و کلمه خدا! به خدا
سوگند همین طور است
که می فرمایی . از
خداوند بخواه که
این شک را از دل من
بزداید. عیسی % برای
وی دعا کرد و
خداوند از وی
پذیرفت، و او در حد
سایر افراد خاندان
خویش قرار گرفت. ما
خاندان نیز این
چنین هستیم؛ خداوند
عمل بنده ای را که
در باره ما شک
دارد، قبول
نمی فرماید.»

ثانیاً : خداوند

۱. إثبات الهداة، شیخ حر
عاملی، نشر مؤسسه الأعلمی،
بیروت، ۱۴۲۲ ق، چاپ اول،
ج ۳، ص ۲۶۹.

ولایت در زمان غیبت و
اثر آن در عبادت
در زمان حضور امام
معصوم% که پذیرفتن
هر حکومتی غیر از
حاکمیت امام% جایز
نیست و زیر بار آن
رفتن و مراجعه به
قضات آنها برای
گرفتن حق، حرام
است.

در زمان غیبت نیز
شیعه موظف است زیر
بار سلطان جور
نرود، اگرچه امام
معصوم% غایب است و
از طرفی وجود حکومت
در جامعه امری
ضروری است؛^۲ ولی در
این زمان نیز حاکم
باید مأذون از طرف
خداوند متعال باشد،
مانند فقهای عظام
که طبق روایات^۳ در

و امام صادق %
فرمود: «وَلَا يَثْنَا وَلَا يَهُ
اللَّهُ الَّتِي لَمْ يَنْعَثِ اللَّهُ نَبِيًّا
قَطُّ إِلَّا بِهَا؛^۱ ولایت ما
ولایت الله است که
خداوند هیچ پیامبری
را مبعوث نکرده ؛
مگر به آن (به شرط
پذیرش آن).»
پس ولایت اهل بیت (ع)
در ادیان گذشته ،
مقوم رسالت انبیا (ع)
بوده ، و ولایت
اولیای الهی در هر
دینی، بر امت آن
واجب بوده است و
بدون پذیرش آن، هیچ
عملی از آنها
پذیرفته نمی‌شد.

**ایمان غیر از
اسلام است و شرط
تحقق آن، پذیرش
ولایت اهل بیت (ع) و
ثواب اخروی
مربوط به ایمان
است، نه اسلام**

۲. نهج البلاغه، ترجمه
محمددشتی، نشر مشهور، قم،
۱۳۷۹ ش، چاپ اول، خطبه
۴۰.

۳. الإحتجاج، شیخ طبرسی،
نشر المرتضی، مشهد، ۱۴۰۳
ق، چاپ اول، ج ۲، ص ۴۷۰.

۱. کافی، ج ۱، ص ۴۳۷.

زمان غیبت «خلفای
امام زمان% هستند.»^۱
و اگر کسی حکومت
سلطان غیر مأذون از
طرف خدا را در این
زمان بپذیرد،
عبادات او مورد
قبول خداوند نخواهد
بود، به این مطلب
در روایات مختلف
اشاره شده است، از
جمله در روایتی
امام باقر
می‌فرمایند: «قال
الله عز و جل: لأَعْدِبَنَّ كُلَّ
رَعِيَّةٍ فِي الْإِسْلَامِ ذَانَتْ
بِوَلَايَةِ كُلِّ إِمَامٍ جَائِرٍ لَيْسَ
مِنْ اللَّهِ وَ إِنْ كَانَتْ الرَّعِيَّةُ
فِي أَعْمَالِهَا بَرَّةً تَقِيَّةً وَ
لَا عَفْوَنَ عَنْ كُلِّ رَعِيَّةٍ فِي
الْإِسْلَامِ ذَانَتْ بِوَلَايَةِ كُلِّ
إِمَامٍ عَادِلٍ مِنَ اللَّهِ وَ إِنْ
كَانَتْ الرَّعِيَّةُ فِي أَعْمَالِهَا

ظَالِمَةً مُسِيئَةً؛^۲ هر کس
از رعیت اسلامی
به ولایت امام ستمگری
که از طرف خدا
منصوب نشده است،
معتقد باشد، حتماً
عذاب خواهم کرد؛
گرچه آن فرد از
رعیت در کارهایش
نیکوکار و با تقوا
باشد، و هر يك از
افراد رعیت اسلامی
به ولایت امام عادل
که از طرف خدا
منصوب است، معتقد
باشد، مورد بخشش
قرار خواهم داد؛
گرچه آن رعیت در
کارهایش ستمگر و
گناهکار باشد.»
این روایت مطلق
است، و وظیفه مؤمن
را در هر زمانی
مشخص می‌کند، امام
حاضر باشد یا غایب.
روایات گویای این
مطلب هستند که در
هر زمانی؛ تسلیم
شدن در مقابل حق

۱. اینکه امام عادل شامل
فقها نیز باشد، دلیلش؛
ادله ولایت فقیه است که
خارج از این بحث ماست،
برای اطلاع کافی رجوع شود
به «دلیل تحریر الوسيلة،
علی اکبر سیفی مازندرانی،
مؤسسه نشر و تنظیم آثار
امام خمینی»، قم، ۱۴۲۷ ق،
چاپ اول، ج ۳، (باب ولایت
فقیه).

۲. الغيبة، نعمانی محمد
بن ابراهیم، نشر صدوق،
تهران، ۱۳۹۷ ق، چاپ اول،
ص ۱۳۲.

بهتر از عبادات و طاعات ظاهری است ؛ البته همراه ولایت، عبادات نیز لازم است و ارزش دارد.

عبادت توجه و انقیاد قلبی به خداوند متعال است، و توجه به او بدون ولایت ائمه (حاصل نمی‌شود

جایگاه ولایت و سازگاری آن با عدل الهی ممکن است گفته شود : مردود بودن طاعات و عبادات به خاطر عدم پذیرش ولایت، چگونه با عدل الهی سازگار است؟ در جواب گفته می‌شود : مستفاد از آیات و روایات این است که حقیقت عبادت تسلیم شدن قلب انسان در برابر حق است و اگر کسی در برابر حق تسلیم نشود ، با حقیقت

وجودش عاصی است ؛ اگرچه در ظاهر کار نیک انجام دهد . و همچنین نزد خداوند مهم اطاعت او در توحید و قبول نبوت و ولایت است و بزرگ ترین گناهان شرك به خدا و انكار رسالت و ولایت می‌باشد . و اگر بنده ای در این سه مورد معصیت کند ، مبعوض خداوند می‌شود و اعمال دی‌گوش مورد قبول نخواهد بود، پس کسی که با حقیقت وجودش گنهکار است و بزرگ‌ترین گناهان را در هر لحظه با انکار ولایت، انجام می‌دهد، عدالت این است که اعمال مشروط به آن قبول نباشد.^۱ چنانکه شیطان مدت‌ها عبادت کرده بود ؛ ولی چون تسلیم حق نشد و در برابر

۱. الأنوار الساطعة في شرح الزيارة الجامعة، ج ۵، ص ۴۵۹.